



## کودکان قربانیان تجاوز در ایران

ثریا شهابی

فروش شامل همه چیز است. فقر، نیاز، و بازاری که بتوان در آن با فروش هر چیزی، معاش را تامین کرد، کودکان بیگانه را از زمین بازی و پشت میز مدرسه به چنگال سازماندهندگان و خریداران آنها برای تجاوز و سوءاستفاده جنسی، کشانده است. ایران از نظر اعتیاد و فحشا کودکان امروز در کنار مراکز سنتی فحشا کودکان در جهان قرار گرفته است. مسبب این وضعیت بی تردید حکومت اسلامی ایران است.

مادران و خواهران و همسرانی که با تن فروشی خود و کودکانشان معاش خانواده را تامین میکنند، سیمای مخوف



جامعه ای است که حاکمین اسلامی ساخته اند.

در ایران اسلامی همه چیز کالا و قابل خرید و فروش است. این شامل خود، فرزندان و بدن کودکان کوچک هم هست. معامله و خرید و

ابعاد سواستفاه جنسی و تجاوز به کودکان، بخصوص کودکان دختر در ایران هولناک است. داستان های دردناک دختر بچه های «روسی»، هشت تا ۱۵ ساله که برای تامین معاش خانواده در شبکه های فحشا بکار گرفته میشوند، توسط خانواده «کرایه» داده میشوند، توسط دسته های چندنفه مردان به آنها تجاوز میشود و همچون روسپیان بزرگسال کتک میخورند و له میشوند، هر روز در روزنامه و نشریه ای منتشر میشود. دختر بچه های «روسی»، کودکان و نوزادان معتاد،

پدوفیلی، پورنوگرافی کودک، تورسیم تن فروشی کودکان و صنعت سوءاستفاده جنسی از کودکان، در جهان امروز زائیده

صفحه ۳

## هر ۵ ثانیه

سردبیر

## یک کودک می میرد!

امیر توکلی

در هر ۵ ثانیه یک کودک بر اثر بیماریهای ناشی از گرسنگی می میرد. این گزارشی است که سازمان ملل ماه پیش ارائه داده است: «اغلب این کودکان مبتلا به سوء تغذیه هستند و بدن آنها برای مبارزه با بیماریها بسیار ضعیف است».

این گزارش و آمارها تنها بخشی از واقعیت را منعکس میکند. تردیدی نیست که وضعیت کودکان در جهان بسیار وخیم تر از آن است که دولتهای سرمایه داری گزارش دهند به سازمان ملل نشان میدهند. نظام موجود در جامعه جهانی ضعیف کش است و اکثریت جمعیت جهان را مزدبگیران، کارگران، بیکاران همراه با خانواده هایشان تشکیل میدهند. کودکان بخش عظیمی را تشکیل میدهند بنا به آماری بیش از دو میلیارد از جمعیت جهان را کودکان تشکیل میدهند. کودکان ساکن کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین در وضعیت غیر انسانی بسر میبرند. حتی کودکان بخشهایی از اروپا و آمریکا وضعیت بهتری ندارند. این در حالی است که سطح تولید محصولات ضروری برای زندگی انسان بیش از نیاز امروزه کل جمعیت کره زمین است. اما سرمایه داران همراه با دولتهایشان تنها با هدف کسب سود تولید میکنند. سرمایه داران و دولتهایشان چنان وضعیتی را ایجاد کرده اند که کودکان ۶-۵ ساله مجبورند برای زنده ماندن کار کنند. بعد از حمله آمریکا به عراق، کودکان ۶ ساله به دلیل بیکاری والدین به کار بردگی کشیده شده اند. امروزه در افغانستان تحت کنترل آمریکا، کودکان خردسال برای جابجایی تریاک و مواد مخدر بکار گرفته میشوند. در برخی از کشورها، دولتها با گسترش مستقیم تن فروشی کودکان و یا چشم پوشی به آن سیاست جلب تورسیم را پیش گرفته اند. کار کودکان، بردگی و استثمار وحشیانه کودکان جزئی از نظام موجود است. این نظام به دنبال کارگر خاموش و ارزان است و کودکان ضعیفترین بخش جامعه و طبقه کارگر هستند.

دهها هزار کودک چه در ایران و چه در کشورهای مختلف جهان که بدنهای تکه نانی در ذباله ها می لولند، جزو آمار سازمان ملل نیستند. صدها هزار کودک که در سراسر جهان در خیابانها «زندگی» می کنند و از هیچ امکاناتی برخوردار نیستند، جزو شهروندان عادی جامعه قلمداد میشوند. کودکانی که در جوامع اسلام زده کشته میشوند به دلیل دختر بودنشان، به دلیل فقر خانواده به دلیل «ناموسی» جزو این آمارها نیستند.

دولت و نظامی که با کودکان اینگونه رفتار میکنند یک ثانیه هم مشروعیت ندارد. نظامی که کودکان ۵ ساله را به کار بردگی کشانده است، باید فوراً توسط مردم انساندوست به زیر کشیده شود.

## تجارت سکس کودکان

گزارش زیر از «گروه آینده» است. این سازمانی در مبارزه با تجارت سکس کودکان است و مرکزش در کانادا قرار دارد.

استقراطي است اما در حقیقت یکی از خانه های فروش سکس کودکان است. آنجا پر است از دختران جوان با لباسهای تنگ و چسبان و لبان ماتیک مالیده به رنگ



«نیمه ایی از شب گذشته است. از دست اندازهای جاده ای خاکی که به svay paf که معروفترین خانه های فروشندگان سکس را در خود جا داده است، عبور میکنیم. چراغی

روشن. هیچ کدام آنها بیش از چهارده سال ندارند. اما ادا و اطوار یک دختر خیابانی با تجربه را در می آورند. لبان خود را می لیسند و پستانهای کوچک خود را به جلو میدهند. پسریچه ای شاید ۱۰ ساله که پیراهنی به تن ندارد جلو می آید و با علامت دست به من می فهماند که

ماه مارس گذشته دست به تعطیلی ۵۰ خانه فروشندگان سکس کودکان زده بود. اتومبیل ما به طرف راست می پیچد و سرایشی یک جاده پر از دست انداز را تا پایین طی میکند و درست در همین جاست که ما با حقایقی تکان دهنده آشنا می شویم. محلی که وارد آن می شویم ظاهراً شبیه یک گاراژ

در خیابان به چشم نمی خورد، تنها کورسوی نوری از یک معبد بودایی که با نور لرزان یک شمع روشن است توی چشم می زند. عجیب است در این شب داغ تابستان این جاده مرده است. با خودم فکر می کنم شاید دولت کامبوج موفق شده است که شبکه ی تجارت سکس کودکان را از بین ببرد. چرا که در

## زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

سردبیر

هفته نامه

«اول کودکان»

امیر توکلی

tel:

00 358 405 821 776

e.mail:

tavakoli@hotmail.com

## اول کودکان

دوشنبه ها منتشر میشود

e.mail

aval\_kodakan@hotmail.com

رئیس

کمپین بین المللی دفاع

از حقوق کودکان

«اول کودکان»

ثریا شهابی

tel:

00 44 7 981 343 101

e.mail

soraya\_shahabi@yahoo.com

Main Office:

Chair Person,

Soraya Shahabi

CF, BM Box 1919

London WC1N3XX

England

Tel: 44-798 134 3101

Fax: 1-413-639-1602

تلویزیون اول کودکان

در کانال جدید

Satellite: Telstar 12

Center Frequency:

12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization:

Horizontal

اول کودکان

را تکثیر

و توزیع کنید!

ادامه

## تجارت سکس کودکان

شیشه ماشین را پایین بکشم. پسر بچه که شکسته انگلیسی صحبت میکند می پرسد دختر می خواهی؟

Mayumdar عضو هیت

ریسه «گروه آینده» نیمی از

بدنش را از اتومبیل بیرون

می آورد و می گوید که

دخترانی جوانتر از آن چه در

آن جا هستند را طالب است.

او با این عمل اش می خواست

به من اثبات کند که دختران

حتی چهار ساله هم برای

سکس موجود هستند. فقط

جاکش های آنان، از چشمان

مخفی اشان نگه می دارند

که از حمله ی پلیس درامان

باشند. این پسر بچه پس از

صحبت با سرپرست عبوس

این خانه، ما را از راه باریکی

به اطاق کوچک راهنمایی

میکند. در این اطاق یک

صندلی آهنی کهنه و یک

تشک کثیف به چشم می

خورد. در یک چشم به هم

زدن دو دختر که میگویند ۶

و ۸ ساله هستند در درگاه

اطاق ظاهر میشوند. آنها

پیشامه نخی به تن دارند و

مرتبا چشمهایشان را مالش

میدهند تا خواب از سرشان

بپرد. در ابتدا دختران به طرز

رقت باری و بدون هیچ نوع

احساسی شروع به لاس زدن

با Mayumdar را می

کنند. دختر ۶ ساله در حالی

که میلرزد نجواکنان میگوید

boom-boom خیر، فقط

nagam nagam که به

زبان عامیانه ویتنامی معنی

سکس دهانی را میدهد. زمانی

که عکاس گروه میخواهد

عکس بگیرد جاکش و

محافظاش اسلحه می کشند

چرا که فکر می کنند که

Mayumdar و عکاس

ماموران مخفی پلیس هستند.

این دو به فوریت حيله ای در فکرشان می سازند و می گویند که عکسها را برای شرکت توریستی ای که در تایلند دارند و تورهای سکسی به مشتریان عرضه می کنند، میخواهند. این حيله موثر واقع میشود و خطر رفع میگردد.

گروه ما در مرکز شهر

phnom penh

به یک کلپ شبانه بنام مارتینی پاپ میرویم. تقریباً سه سال پیش نخست وزیر کامبوج دستور بسته شدن تمام کلپهای شبانه که مرکز فروش سکس کودکان بودند را صادر کرده بود، اما این دستور

دیری نپائید و امروز کلپها پر است از توریستهای اروپایی، آمریکایی و آسیایی. ما در کلپ شبانه مارتینی شاهد بودیم که یک مرد اروپایی چاق با موهای خاکستری، تلو تلو خوران در حالی که ۴ دختر خردسال بر روی انگشتان

پاهایش سواری میخوردند به طرف هتل لوکس روبروی کلپ می رفتند. بر طبق آمار سازمان ملل دهها هزار کودک به طرف سکس اجباری رانده شده اند. در تایلند، کامبوج، ایران و خیلی از کشورهای دیگر فقر کودکان را مجبور کرده است که وارد شبکه تجارت جهانی سکس کودکان بشوند.

فروش سکس در کامبوج از سال ۱۹۹۰ شروع شد. زمانی که میخواستند حکومت را از خمرهای سرخ به حزب مردم منتقل کنند. برای این نقل و انتقال حکومتی، سربازان صلح سازمان ملل در این کشور سکنی گزیدند. این سربازان فروش سکس کودکان را رونق دادند، چرا که پول بی شماری را برای سکس خرج میکردند و خانواده های فقیر را تشویق می کردند که بچه هایشان را

برای سکس بفروشدند. حدس زده میشود که امروزه ۲۰ هزار از کارگران سکس در این کشور زیر ۱۵ سال باشند. ما خود شاهد بودیم که مردان برای دختران باکره اشتیاق بسیار زیادی نشان میدادند و برای به دست آوردن کودکان باکره پولهای فراوانی خرج میکردند. از این جهت صاحبان شبکه های تجارت سکس کودکان آنان را مجبور از دست بدهند و از طرف دیگر آنان را مجبور می سازند که تحت عمل جراحی دوختن باکره ای قرار بگیرند چرا که قیمت دختران باکره بسیار بالاست.

زمانی که در بسیاری از کشورها درآمد سرانه ۳۵۰ دلار و یا کمتر است روشن است که والدین و یا دوستان آنها ضعیفترین حلقه ی خانوادگی یعنی کودکان را قربانی میکنند.

بد نیست که پای صحبتهای برخی از این کودکان قربانی شده بنشینیم. در یک روز آفتابی و گرم به یکی از موسسات بازیابی سلامت کودکان تن فروش که با کمک یک موسسه ضد تجارت سکس کودکان از فرانسه و دولت کامبوج تاسیس شده است، سری میزنیم. در آنجا با دختری آشنا میشویم که در سن ۱۰ سالگی به دلیل فقر خانواده به یتیم خانه تحویل داده میشود. وی میگوید سه روز پس از ورود به آن خانه یک آمریکایی که خود را اسکات معرفی میکرد به مسئولین خانه گفت که میخواهد مرا به فرزند قبول کند. او ادعا میکرد که کارهای اداری آن در حال انجام است. من تمایلی نداشتم که با او بروم. اما او به من

گفت که مرا با خود به آمریکا خواهد برد، جایی که من شنیده بودم که محل خوبی است. مسئولان خانه مدارک اسکات را چک نکردند و در حقیقت مرا به امریکایی فروختند. شاید در این مابین پولی هم به آنها رسید. در بین راه آمریکایی به من گفت که آسانترین کار برای او این است که مرا به دختر خوانده گی قبول کند و نه به فرزند. این امر هم امکانپذیر است اگر من ۱۸ ساله بشوم. اسکات که تقریباً ۳۰ ساله

بود در شهر Sihanokville

معلم انگلیسی بود. یکسال در خانه اسکات بودم تا شبی مرا مورد تجاوز جنسی قرار داد و از آن به بعد بود که برده جنسی او شدم. وی مرا تهدید به مرگ کرد اگر قصد فرار داشته باشم. به مدت ۲ سال این وضع خشونت بار را تحمل کردم تا بالاخره از خانه

اش فرار نمودم. در شهر Sihanokville

به گدایی پرداختم تا آنکه در چنگ قاچاقچیان سکس گرفتار آمدم و از یکی از خانه های فروش سکس کودکان سر در آوردم. یک ماه بعد این خانه مورد تهاجم پلیس قرار گرفت و من به این مرکز بازآموزی فرستاده شدم. او می گوید که در این مرکز باید تا سن ۱۸ سالگی بماند تا حرفه ای بیاموزد. وی می گوید که خجالت میکشد به نزد خانواده اش برگردد. چراکه او را دختری کثیف خطاب خواهند کرد. در این مرکز با دختر بچه ای ۱۳ ساله آشنا شدم. وی تعریف میکند که همین امسال به وسیله زنی از دهاتشان به یک خانه سکس فروخته شد. این زن به من گفته بود که

صفحه ۴

ما منتظر اخبار، مقالات،

نظرات و

پیشنهادات شما هستیم.

با ما همکاری کنید

برای توزیع هفته نامه احتیاج به

مسئول توزیع

داریم لطفا با ای میل سردبیر تماس بگیرید.

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه



## رفتار با کودکان

فرزاد ادیبی کارشناس تعلیم و تربیت

ادامه کودکان قربانیان تجاوز در ایران



دنیای «متمدن» سرمایه داری است. نظام و سیستمی که در آن همه چیز کالا، قابل مبادله و تبدیل به پول است. سیستم و نظامی که در آن مرزی جز سود، میدان تعرض به زندگی و احترام و ارزش کودک را تعیین نمی کند.

سرمایه داری مخوف و کودک کش است، اگر همه جا به یک اندازه جنایت نمی کند، به خاطر لگام و دهانه ای است که جنبش های انسانی، آزادیخواهانه و تساوی طلبانه بر آن زده اند. و گرنه از سوئد تا پاکستان و استرالیا و اسپانیا تا بنگلادش و عربستان و ایران و آمریکا، همه و همه امکان فحشا کودکان و خرید و فروش اعضا بدن آنها را هر روز فراهم میکنند.

وجود خریدار از انسانیت تهی شده از آمریکا و اروپا، تا ایران و عربستان، وجود میلیونها میلیون کودک محتاج و خانواده های گرسنه شان، و میلیونها میلیون کودک بی سرپرست و بی تامین، بازار معامله، کودکان و تجاوز به آنها را «پررونق» نگاه میدارند!

در ایران سرمایه داری اما، این پدیده کریه و دلخراش، بعلاوه رنگ اسلامی هم به خود گرفته است و مشروعیت مذهبی هم

ادامه

### وضعیت اسفبار زندگی کودکان افغانی در ایران

۱۰-۱۲ سال ندارد دل هر انسانی را به درد می آورد. آنقدر سختی کشیده اند که در سنین پایین، پیر شده اند. دقیقاً چهره های آنها با یک پیر مرد فرقی ندارد، چین و چروک فراوان در ناحیه چشم، کش آمدگی عضلات، درد شدید مفصل ..... ساعات کار طاقت فرسا، کار بدون ایمنی، نبود شرایط کار مناسب، توهین در محیط کار، مواجه شدن با کتک به علت کم کاری و اشتباه، دستمزد ناچیز، همه و همه فاکتورهایی هستند که کار کودکان را تشکیل میدهند. کار اغلب کودکان افغانی کار ساختمانی است، کارهایی که برای هر کارگر بالغی هم مشکل است.

محیط تربیتی و رشد کودکان افغانی: یک محیط مذهبی خشک، با اصول و سازمان قومی که در آن کودک هیچ حقی ندارد، تنها راه تربیت کودک کتک و تنبیه بدنی است به علت شرایط طاقت فرسای زندگی مهاجرین افغانی هیچ کدام از ظرفیتهای عصبی نرمال برخوردار نیستند. فشار جامعه، ترس از اخراج، فرار از پلیس، کار سخت آنگنان آنها را آزار میدهد که فرصتی برای تربیت کودک ندارند، خیلی از آنها آلوده به مذهب، شونیسیم مردانه و قومی گری هستند که اینها بیشتر به علت فاشیسم ایرانی دامن زده میشود. اینها همه زندگی را برای کودکان افغانی به جهنمی بدل کرده است.

### اول کودکان: برخورد پدران

و مادران با کودکان باید چگونه باشد، یا بر اساس چه اصولی باید استوار باشد؟

#### بخش سوم

در شماره پیش در باره رابطه انسانی، متقابل و محترمانه ما با کودکانمان توضیحاتی دادم. در این قسمت با یک مثال و توضیح کوتاهی، بحث رابطه با کودکان را تمام می کنیم و به سراغ یکی دیگر از شرایط رشد سالم و همه جانبه کودک می رویم.

در شماره پیش بر نقش مهم رابطه دو جانبه با کودکانمان تاکید کردم و همچنین توضیح دادم که برقرار کردن رابطه دوطرفه با کودکانمان باید از همان نوزادی بنیان گذاری شود. این رابطه خیلی موضوعات دیگر را پوشش می دهد، احترام متقابل، اعتماد متقابل و از همه

مهمتر نقش پدر و مادر به عنوان یک تکیه گاه و راهنمای مورد اعتماد، برای فرزندانمان، براساس همین رابطه در نزد وی جا می افتد. یک مثال ساده می آوریم. معمولاً ما پدر و مادران خرید لباس کودکان دو سه ساله مان را به تنهایی، یعنی یکی از والدین و اغلب بدون حضور خود کودک انجام می دهیم. که این موضوع به همان رابطه و اعتماد دو جانبه ضربه می زند و اصولاً آنرا پی ریزی نمی کند. اگر پدر و مادر فرضی ما که حقوق کودک را محترم می شمرد، مشکل مالی و اجتماعی ندارد و دارای کودکانی با روح و

" و خوشحال هم هستید که به کودکان آموزش دادید که قاشق چه استفاده ای دارد، بی خیال از اینکه خیال پردازی کودک تان را خراب کرده اید. هم لذت این خیال پردازی را از وی گرفتید و هم به رشد این خیال پردازی و تجربه اندوختن برای خیال پردازیهای دیگر آسیب زدید.

ویگوتسکی یکی از مهمترین روانشناسان کودک که در سالهای اخیر، نظرات وی در علم تعلیم و تربیت اروپا نقش مهمی یافته است، در باره نقش مهم تخیل در رشد کودک می گوید: " این کودکی که قرار است روزی انسانی کامل شود، همه چیز را با کمک خیال پردازیهایش، ارزیابی می کند. وی به کمک تخیل خود،

دنیای خود را به وجود می آورد و رفتار خود را در این دنیا، تمرین می کند. این مهمترین نقش (فانتزی) تخیل برای کودک است." جایگاه واقعیتهای پیرامون کودک در این دنیای تخیلی کودک، بنا بر برداشت کودک از این واقعیت است. کودک ما اشیاء و اتفاقات واقعی پیرامون خود را به گونه ای بسیار متفاوت تر از ما بزرگسالان می بیند و ارزیابی می کند که معمولاً با کمک تخیل خود به این اشیاء و اتفاقات شکل و طرز کار دیگری را می دهد. صابون برای کودک ما در حمام به ماشین، کیک و یک پرنده تبدیل می شود. این به این معنی نیست که کودک (فونکشن) مورد استفاده، صابون را نمی فهمد بلکه کودک ما به کمک تخیلش (فونکشن) کارکرد، ماشین

صفحه ۴

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان



## وضعیت اسفبار زندگی کودکان افغانی در ایران

ادامه

### تجارت سگس کودکان

در یک قهوه خانه برایم کاری دارد. گولم زد و مرا به مبلغ ۵۰۰ دلار فروخت. من باکره بودم و در روز اول به سه مرد سرویس دادم. بعد از یک هفته دو مرد اروپایی مرا به مدت ۱۴ روز اجاره کردند. کار من این بود که با آنها به رستوران و کلوپ شبانه بروم و در این فواصل با آنها هم همخوابگی کنم. از پول اجاره ی من چیزی به من نرسید چرا که صاحب خانه تن فروشی ادعا می کرد که خرج خواب و خوراک مرا در این خانه می پردازد. من با ۷ دختر دیگر هم اطاق بودم. این اطاق از درون به بیرون باز نمی شد فقط از بیرون به درون باز می گشت آنهم زمانی که ما مشتری داشتیم. هر روز صبح که بیدار می شدم تقاضای مرگ خود را میکردم.

این دختر با این وضع نمی توانست در آن محل زیاد زنده بماند. حد وسط سن زنان کامبوجی ۵۶ سال است و عمر دختران فروشنده سگس نصف آن است. از آن جایی که بیشتر فروشندهگان سگس مورد آزمایشات خون برای ابتلا به بیماریها از جمله ایدز قرار نمی گیرند حد متوسط سن می تواند از این هم پایین بیاید. آمار رسمی میگوید که ۲۰ درصد از کودکان تن فروش حامل HIV مثبت هستند اما آمار غیر رسمی بسیار بالاتر از آن است.

با برخی از دختران که صحبت می کردیم می خواستند که هر چه زودتر به زادگاهشان برگردند اما نمی توانستند چرا که دارای هیچ گونه ورقه شناسایی نبودند. آنها غالباً قاچاق گردیده و از کشوری به کشور دیگر فرستاده شده اند. تمام دردهایی که این کودکان می کشند آنها را به اعتیاد کشانیده است. ما شاهد بودیم که بسیاری از کودکان برای فراموشی دردهایشان از قرص Methamphetamine استفاده می کنند. غالب آنها می گویند که دردهای انباشته شده از فقر، بی خانمانی، اعتیاد و بیماری دارد چون سوهان روحشان را می خورد.»

ادامه

### رفتار با کودکان

و رابطه اش را با قالب صابون تجربه می کند. قاب صابونی که به یک پرنده تبدیل شده است به کودک نقش بال پرنده در پرواز را یاد می دهد. شماها که کودک خردسال در خانه دارید، با کمی دقت روزانه می توانید با صدها مثال از این دست روبرو شوید. وقتی کودک خود را در این حالت می بینید، سعی کنید، منفعل باشید. نه به وی کمکی کنید و نه پرنده تخیلش را به سقوط بکشانید. ناگفته نماند که شما به عنوان بزرگسال و یا پدر و مادر هم به تخیل و خیال پردازی نیاز دارید و فانتزی هم در زندگی بزرگسالان نقش مهمی دارد. در باره تخیل و نقش آن در رشد سالم کودک، مثالهای فراوانی می توان آورد، اما این مطلب را در اینجا به پایان می بریم و در شماره بعد، سراغ بازی و نقش آن در رشد سالم و توانایی های کودک خواهیم رفت.

### اسد حکمت

#### ادامه از شماره قبل

بهداشت: در ایران هیچکدام از خانواده های کارگری از یک بیمه درمانی قابل اتکا با امکانات برخوردار نیستند، خانواده های افغانی که دیگر ۱۰ پله پایین تر، هیچ درمانگاه و هیچ بیمارستان دولتی حاضر به پذیرش مراجعین افغانی نیستند، هنگام بیماری باید به مطب های خصوصی بروند که فقط هزینه ویزیت آن حدود ۶۰۰۰ تومان است یعنی برابر

سپردن جگر گوشه خود را قطره قطره ببینند.

تحصیل: وضعیت تحصیل کودکان افغانی را از چند جنبه باید بررسی کنیم که به اختصار به آنها میپردازم  
۱- تحصیل دختران: به علت دست اندازی شدید مذهب و مرد سالاری و قومگیری بر زندگی این کودکان اکثر آنها از تحصیل حتی در سطح دبستان محرومند. بطوریکه به عنوان مثال در یک دبستان ۴۰۰ نفری فقط ۳ نفر شاگرد دختر پیدا کردیم. در صورتیکه



در یک دبستان پسرانه با همین تعداد دانش آموز حدود ۶۵ نفر شاگرد افغانی پیدا کردیم که این نشاندهنده ستم مضاعف بر دختران است.  
۲- تا سال ۷۶-۷۷ دانش آموزان افغانی در هر مدرسه ای که میخواستند میتوانستند تحصیل کنند، ولی از آن سال به بعد کم کم محدودیتهایی برای آنها ایجاد شد، هر خانواده افغانی یک کارت دارد که در این کارت محله سکونت، تعداد اعضا و همه اطلاعات درج شده، تعدادی برای پیدا کردن کار از محلی که جمهوری اسلامی تعیین کرده مراجعت کرده اند، مثلاً از شاهرضا به شاهین شهر آمده اند جمهوری اسلامی این دسته را هم مجبور کرد

با ۱۲ ساعت کار یک کارگر افغانی. حالا هزینه داروی آزاد که سر به فلک برمیدارد. این کودکان به علت نبود محیط مناسب برای زندگی و تغذیه ناکافی مرتباً مریض میشوند و نرخ بیماری در آنها بالاست. از هر خانواده افغانی که صاحب ۶ بچه است شاید حدود ۳ نفر به سن بلوغ برسند که من فکر میکنم از این هم کمتر است. این دیگر نقض شدید حقوق بشر است باید بانیان این اوضاع را به محاکمه های بین المللی کشید و از آنها بازخواست کرد، کودکی که در تب بیماری می سوزد را از همه جا میرانند مادر و پدر این کودک فقط باید اشک بریزند و جان

که فقط در همان محل مجاز به تحصیل هستند، بعد لایحه آمد که باید پول پردازند، که تامین این هزینه برای آنها مشکل بود، روزبروز تعداد بیشتری از چرخ تحصیلی عقب می افتادند، بعد اجازه تحصیلی را منوط به رای امام جمعه شهر کردند و کودکان افغانی را به خانه این هیولا پاس دادند.

۳- مرحله بعد که یک حمله تمام عیار بود محروم کردن کودکان از تحصیل و ممنوعیت ثابت نام آنها در مدارس بود.

۴- یک نکته قابل ذکر که به همین دوره ها برمیگردد یک دید فاشیستی و سرکوبگر توسط کادرهای مدرسه از ناظم تا مدیر گرفته تا معلم دینی و اخلاق تا دبیران پرورشی، شدیدترین تنبیهات را در حق آنها انجام میدهند و هیچکس کس هم حق اعتراض ندارد اولین اعتراض منجر به اخراج کودکان میشود. توهینهای زشت، یک

مسابقه فاشیستی بین کودکان ایرانی و افغانی، یک ترند کثیف و ضد انسانی، البته این فضا با مخالفت شدید و اعتراض معلمان آزادیخواه و دانش آموزان روبرو گشته که تا حدی فضا را به نفع این کودکان برگردانده است.

۵- درصد زیادی از این کودکان بیشتر از ۶ کلاس تحصیل نمی کنند و به علت مشکلات متعدد از تحصیل عقب می افتند و به بازار کار وارد میشوند.

کار کودکان: این پدیده رقت بار که در زمینه آن کتابهای مختلفی نوشته شده است هنوز هم به شدت خیلی زیادی کودکان را تهدید میکند. چهره کودک کارگری که بیش از

## ممنوعیت خشونت جسمی و روانی کودکان